

پرورش کودک برای کار

در کشوری که کار دیگر وسیله استثمار فرد از فرد نیست و هیچکس شرف، افتخار و قهرمانی را جز در پرتو آن نمیتواند بدست آورد، در کشوری که دولت از آن کارگران است و قانون اساسیش میگوید:

«هرکس کار نکند نمیخورد» یکی از اساسی‌ترین مواضع تربیتی، باید پرورش کودکان برای کار باشد:

در اینجا روی سخن ما با پدران و مادران است و میخواهیم آن‌ها را متوجه سازیم که برای آنکه فرزندان عضو شایسته جامعه کارگران گردد؛ برای آنکه آینده درخشانی بر چهره شادایش لبخند زند؛ برای آنکه بتواند سعادت و بهروزی خود را عمیقاً در کار دریابد، ضرورت و مفید بودن آن بی‌ببرد، بکار همچون اساسی‌ترین شکل نشان دادن شخصیت و شایستگی خویش بنگرد، باید در محیط خانواده باشیوه‌های درست تربیتی عشق و علاقه بکار را در کودکان خود پرورش دهد.

بدیهی است منظور از پرورش کودک برای کار آن نیست که خانواده، کودک را برای تخصص در کاری که خود بدان اشتغال دارد تربیت نماید. این از وظائف دولت است که نوابوگان کشور را در موسسات آموزشی فراوانی که روز بروز بر شماره آنها میافزاید بر موز کار و حرف آشنائی دهد.

ولی پدران و مادران نباید چنین تصور کنند که تربیت خانوادگی هیچگونه ارتباطی با تخصص در کار ندارد. بالعکس، آماده ساختن کودک برای انجام درست کار، در فراگیری کار تخصصی آینده وی تأثیر سودمندی خواهد بخشید. کودکی که در خانواده از نظر آمادگی بکار تربیت‌های لازم رادیده باشد، کار را بسهولت فرا خواهد گرفت و اگر خصائل نیکویی را در وی پرورش نداده باشند، در رشته تخصصی خود با ناکامیهای زیاد روبرو خواهد گردید و سرانجام علیرغم کوشش موسسات دولتی از حدود یک کارگر ناقابل قدمی فراتر نخواهد گذاشت.

این را نیز پدران و مادران خاطر نشان می‌سازیم که مراد از کار، تلاش بدنی یا کار عضلانی نیست. با تکامل تکنیک تولید، رفته رفته تلاش بدنی از میان می‌رود. هم دولت ما مصروف آن است که وظیفه انجام کارهای پر زخم را بنیروی غول‌آسای

ماشین‌ها و اگذارند. هم اکنون مادر ساختمان‌ها، آجر را بوسیله ماشین تهیه می‌کنیم. دیگر برای حمل و نقل مصالح، انسان‌ها را بزرگت نمی‌اندازیم. در کارخانه‌ها بخصوص در کارخانه‌های پس از انقلاب کار بدنی بزرگت را بکلی از میان برده‌ایم. تکنیک تولید ما از انسان‌ها تنها متوقفست که شایستگی‌های فکری بیشتر از خود نشان دهند، از آنها نظم، دقت، حساب، ابتکار، حضور ذهن، کاردانی و مهارت می‌طلبد نه لیاقت‌های جسمی و تلاش و تقای بدنی.

نهضت بنام استاخان‌ویستی، که یکی از مظاهر درخشان کشور شورواست، بدان معنی نیست که نیروهای بدنی طبقه کارگر بزرگت فوق‌العاده درآمده باشد بلکه حقیقی است که از بسیج نیروهای اخلاقی افراد جامعه ما حکایت می‌کنند. استاخان‌ویست حقیقتی بنیروی عضلانی خویش تکبیه نمی‌زند بلکه شیوه‌های نوی بکار می‌برد تا هر چه بیشتر از مصالح و وسائل کار استفاده کند. قدرت استاخان‌ویست در اندیشه اوست در انضباط، دقت و ابتکار وی نهفته است. پدران و مادران بویژه باید توجه کنند که منظور، تربیت کارگرانی از این قبیل است.

اگر انجام دادن تنها یک کار را بعهده کودک خود اگذار نمایم و پیوسته همان‌را از وی بخواهیم، کاریکه فقط صرف انرژی عضلانی را ایجاب کند، هر چند نمیتوان گفت کوشش کاملانی ارزشی است ولی از نظر تربیتی فایده چندانی بر آن مترتب نیست کودک مزبور بجدیت در کار عادت خواهد کرد، در کار اجتماعی شرکت خواهد جست و یک آدم معمولی بار خواهد آمد ولی تا زمانی که جدوجهدهای وی با وظائف انضباطی همراه نباشد، منظور جامعه ما را که تربیت یک کارگر استاخان‌ویست است تأمین نمی‌کند.

باید بکودک وظایفی محول گردد که وی موظف باشد گره‌های آن را باسر انگشت تدبیر از هم بگشاید. بدیهی است این وظیفه نمیتواند در چار چوب زمانی کوتاه یکی دوروزه محدود ماند، باید جنبه مداوم و همیشگی داشته باشد و ماهها و حتی سالها ادامه یابد.

مهمتر از همه آنکه باید بکودک در انتخاب وسایل کار آزادی عمل داده شود تا هم در انجام دادن وظیفه هم چگونگی کارش مسئولیت احساس کند. اگر بکودک بگوئیم این گردگیر را بردار و اطاق را اینطور گرد گیری کن، نتیجه شایسته‌ای نخواهیم گرفت بهتر آنست که مثلا با کوزه نگاهداشتن یک اطاق را برای مدت مدیدی بعهده‌اش بگذاریم و بوی اختیار دهیم که برای این منظور از هر وسیله‌ای که خود صلاح میدانند استفاده کند. در حالت نخست بکودک خود وظیفه ساده‌ای که تنها بصرف نیروی بدنی نیاز دارد، محول نموده‌ایم در صورتیکه در مرحله دوم از وی حل یک مسئله انضباطی را که بسی عالیتر و مفیدتر است، خواسته‌ایم. از اینرو هر چه وظیفه کودک پیچیده‌تر و در عین حال مستقل‌تر باشد، نتیجه نیکوتری بیار خواهد آورد.

بسیاری از پدران و مادران که بدین مسئله توجه ندارند، از کودک خود انجام این یا آن کار را میخواهند و پیوسته او را در خرده‌کاریهای فراوان غرق می‌سازند. بعقیده من بجای آنکه کودک خود را برای خرید فلان چیز بمغازه روانه کنیم، بهتر آنست که بوی یک وظیفه دائمی بسپاریم: مثلا موظفش کنیم که مواظب باشد خانواده

هیچگاه صابون یا خمیر دندان مورد نیازش را کم نداشته باشد. شرکت کودک در وظایف خانواده باید هرچه زودتر آغاز گردد و نخستین پایه‌های آن در بازیهای اولیه ریخته شود. باید از کودک بخواهیم که همیشه جوابگوی و ختم اسباب بازیهایش باشد ردر پاکیزگی و نظم گوشه‌ای که بازیچه‌هایش اختصاص دارد، مسئولیت احساس کند. در این زمینه اگر هم توصیه‌هایی لازم باشد باید از خطوط کلی تجاوز نکند: باید نظافت را در همه حال رعایت کند، کارها را کرده و نامنظم نباشد، نباید ظرف آب را برگرداند یا بگذارد روی اسباب بازیهایش گرد بکشند. میتوان بکار بردن بعضی شیوه‌ها را نیز متذکر گردید ولی بهتر آنست که خود وی بفراست در بیاید که مثلاً برای پاک کردن گرد و خاک اسباب بازیها کهنه تمیزی لازم است. آنرا باید از «مامان» گرفت و توقع داشت که چنین کهنه‌ای حتماً تمیز و پاکیزه باشد.

پایه‌ی رشد کودک باید وظایف مهمتر و پیچیده تری را بوی احاله نمود و رفته رفته بازی را از وظیفه جدا ساخت مادر اینجا بدکردن نوع وظایفی که میتوان بیجه واگذار نمود، میادرت میورزیم و انتخاب یا تصحیح آنها را بقتضای شرایط زندگی و سن کودک، پیدران و مادران محول می‌داریم:

- ۱ - از کودک خود میخواهیم که همیشه گلدانهای اطاق خودش یا تمام آبارتمان را آب دهد .
- ۲ - وظیفهٔ پهن کردن سفره و چیدن بشقابها و قاشق و چنگال را بعهده گیرد و نمکدانها را پر کند .
- ۳ - از اطساق تحریر بدرش مواظبت کند، قفسهٔ کتابها را همواره منظم نگاه دارد .
- ۴ - روزنامه‌ها را تحویل گرفته، تا کند و در گوشهٔ معینی بگذارد؛ روزنامه‌های خوانده شده را جداگانه نگاهداری نماید .
- ۵ - نظافت روشویی و خرید صابون، خمیر دندان و تیغ صورت تراشی پدرش را از وظایف خود بداند .
- ۶ - وقتی دگمه ای از لباسش کند، خودش بدوزد و همیشه لوازم دوخت و دوز مرتبی در اختیار داشته باشد .
- ۷ - مسئولیت نظم و ترتیب بوفهٔ منزل را بعهده گیرد .
- ۸ - اطاقی را باعکسها، تصاویر و کارت پستالها زینت دهد .
- ۹ - اگر خانواده دارای باغچه سبزیکاری باشد، بدر افشانی، کشت و برداشت محصول آنرا مستقلاً انجام دهد .
- ۱۰ - ارتباط تلفنی منزل را باخارج در دست گیرد و شماره‌های لازم را در دفتر مخصوص ثبت نماید .
- ۱۱ - درسین بالاتر، برنامه های گردشی خانواده را تنظیم کند، خود را در جریان برنامه‌های آنها و سینماها قرار دهد و بهنگام لزوم بلیط تهیه کند و تمام جزئیات کار را تحت نظر گیرد .
- ۱۲ - داروخانهٔ منظمی در منزل دایر کند، داروهای مورد نیاز را در اختیار خانواده.

بگذارد و همواره در غنی کردن آن بکوشد .

..... بدیهی است نمیتوان کارهای بسیاری بردوش کودک تحمیل نمود که وی از انجام آنها عاجز ماند ولی در همه حال لازم است توجه شود که اختلاف زیادی میان مسئولیت‌های پدران و مادران از طرفی و کار کودکان از طرف دیگر در محیط خانواده بچشم نخورد. اگر پدر و مادر مشغله فراوانی داشته باشند ، باید کودکان را بر انگیزخت تا با آنان کمک کنند ممکن است خانواده خدمتگزاری در اختیار داشته باشد؛ در این صورت معمولاً کودکان در کارهایی هم که از عهده شان ساخته است، از وی کمک میگیرند . پدران و مادران باید بدقت این مسئله را تحت نظر گرفته از خدمتگزار خود بخواهند وظایفی را که کودک میتواند و باید بعهده گیرد ، انجام ندهد .

ممکن است قسمت اعظم اوقات کودک را تکالیف دبستان اشغال نماید تردیدی نیست که کار دبستانی بر کارهای خانه تقدم دارد . کودکان باید این نکته را بدرستی دریابند که کار دبستانی در حقیقت يك کار اجتماعی است و نباید تنها خود را در مقابل پدر و مادر مسئول بدانند بلکه در برابر دولت نیز که نماینده مردم است باید احساس مسئولیت نمایند و نیز صحیح نیست که کودک تنها بکار دبستانی بپردازد و نسبت بهر کار دیگر سهل انگاری نماید . اختصاص اوقات کودک منحصرأ بانجام تکالیف دبستانی خطرات فراوانی در بر دارد زیرا رفته رفته يك نوع حس بی اعتنائی بزندگی اجتماعی در وی پرورش مییابد و وظیفه‌دسته جمعی خانواده را با نظر تحقیر مینگرد . باید بیوسته گوشا بود تا در خانواده يك محیط همکاری دسته جمعی برقرار گردد و هرچه بیشتر افراد خانواده بیک دیگر کمک نمایند .

۶۷۸

بسیاری از خود میپرسند چگونه میتوان و باید کودک را بر انگیزخت تا در انجام کارها جد و جهد مبذول دارد . در این خصوص کمک مطلوب آن است که کودک بخودی خود لزوم انجام این یا آن کار را دریابد مثلاً وقتی میبیند مادر با پدر وقت پرداختن بفلان کار را ندارد ، او باید با ابتکار خود آنها را در کارهای خانه یاری دهد اگر چنین احساسی را در کودک پرورانیم و توجه وی را بنیازمندی‌های اجتماع خانواده قوت بخشیم ، آنگاه انسانی در خور اجتماع شوروی تربیت نموده ایم .

بسیار اتفاق میافتد که کودک نمیتواند بخودی خود لزوم انجام این یا آن کار را دریابد در اینجا لازم است پدر و مادر رابطه بطن کودک را با وظیفه اش بدرستی روشن سازند و بدین ترتیب ماهرانه ادراک لزوم کار را در وی بوجود آورند . غالباً بهترین طریقه را این میدانند که در کودک علاقه ای نسبت بفتون مختلفه کار برمی انگیزند . ولی نمیتوان در بکار بستن این روش افراط نمود زیرا کودک باید بتواند که حتی بکاری هم که علاقه ندارد تن در دهد و با طیب خاطر آنرا انجام دهد . بطور کلی باید او را طوری تربیت نمود که کار را يك نوع تفریح و سرگرمی تلقی نکند بلکه بهنگام کار کردن بخوبی ، مفید بودن و ضرورت آنرا درك نماید ، پدران و مادران باید امانتداد کودک را بنشان پرورانند که وی حتی وظایفی را که چندان خوش آیندش نیست ، بدون نق‌زدن و با کمال صبر و بردباری انجام دهد . هر قدر کودک رشد می‌یابد ، رفته رفته فایده اجتماعی کار برایش محرز میگردد و در نظرش نا مطبوع نمی‌نماید .

چنانچه ضرورت یا علاقه چندان نباشد که بتواند جد و جهد کودک را بر انگیزد، آنوقت می توان بخواهش توسل جست. خواهش باید طوری صورت گیرد که کودک را در انجام وظیفه اش کاملاً مختار سازد لازم است آنرا چنان تنظیم نمود که کودک تصور کند وظیفه را تنها بدیل و اراده خود و بدون هیچگونه فشاری انجام میدهد. باید بوی گفت: «من میخواهیم از تو خواهشی بکنم، میدانم که پذیرفتن آن برایت سخت است و تو کارهای دیگری داری که انجام بدهی . . .

ولی»

گرچه خواهش بهترین و مطبوعترین طریقه جلب کودک بکار است ولی اینجا هم باید جانب اعتدال را رعایت نمود. توسل بخواهش وقتی سودمند میافند که اطمینان داشته باشیم کودک آنرا از جان و دل خواهد پذیرفت .

ولی اگر اطمینان نداشته باشید، ساده، آرام و بالحنی مطمئن و عملی امر کنید و اجراء آنرا از کودک خود بخواهید. اگر از همان روزهای نخست با مهارت تامی گاهی فرمان بدهید و زمانی بخواهش متوسل گردید، اگر بویژه قادر باشید ابتکار شخصی کودک را بر انگیزید، اگر ویرا عادت دهید که خود لزوم انجام وظیفه اش را دریابد و با طیب خاطر آنرا بکار بندد، آنگاه دیگر نیازی بشدت عمل نخواهید داشت ولی اگر وظائف تربیتی خود را بدست فراموشی بسیاری ناگزیر باید بزور و فشار توسل جوئید .

فشار اشکال گوناگونی دارد که از تکرار ساده يك دستور آغاز میگردد و بتأکید قاطع و متوقع آن پایان می پذیرد ولی جدآ شما را از اعمال هر گونه فشار بدنی بر حذر میدارم، زیرا از بکار بستن آن نه تنها طرفی نخواهید بست، بلکه تخم تفر و انزجار نسبت بوظیفه را در دل کودک پرورش خواهید داد .

۶۷۹

آنچه بیش از همه فکر پدران و مادران را بفرود مشغول میدارد این است که در برابر کودک که با اصطلاح تنبلی چه روشی میتوان اتخاذ نمود این نکته را ناگزیر بپدران و مادران توجه میدهم که تنبلی یا بیزاری از کار خیلی کم زائیده عدم سلامت وضعف بنیه جسمانی است و اگر چنین علتی در کودک خویش سراغ داشته باشد بی گمان بهترین طریقه علاج مراجعه بپزشک است ولی در اکثر موارد تنبلی از ابتلاء کودک بعادات ناپسند سرچشمه میگردد. وقتی پدر و مادر همت و فعالیت کودک را از همان روزهای نخست زندگی تقویت نمینمایند، بلکه بر مشکلاتش عادت نمیدهند کم کم سستی بر او استیلا یافته بکارها بادیده نفرت و بیزاری مینگردد. بایک نوع بیماری دیگر نیز باید بشدت مبارزه نمود :

کود کسانی هستند که وظیفه خویش را انجام میدهند ولی آن جوش و خروش، دل بستگی، تعمق و سروری که لازمه کار است، در آن هادیده نمیشود. آنها صرفاً برای آن کار میکنند که از گردن دم آنها و سر زنها در امان باشند، کارشان انسانرا بیاد کار چار پایان میاندازد؛ بهمه وقتی بیکارها خدمت و معاضدت میکنند .

نه برای کار خود حد و محدودی میشناسند و نه حال انتقاد از کار دیگران دارند. حکومت شوروی نمیتواند بچنین حوصله های نیمه حیوانی مجال پرورش دهد زیرا اینگونه کارگران چه در برابر کار خود چه در مقابل کار دیگران کوچکترین توقع اخلاقی احساس نمیکند. درست است که در سیستم تولید ما، استثمار فرد از فرد امکان پذیر نیست؛ با اینحال هنوز

هم هوسبازانی را میتوان یافت که در زندگی خانوادگی از کار دیگری بهره میکشند . باید کودکان خود را طوری تربیت کنیم که در اجتماع ما هیچ موجودی حاضر به استثمار شدن نگردد و میل استثمار حتی در محیط خانواده هم مجال رشد نیابد . از اینرو پدران و مادران باید در تقسیم وظائف بی عدالتی روا ندارند و دقت کنند بزرگتر ها کودکان خردسال را بنفع خود بکار نکشند ولی در عین حال بکوشند روز به روز همکاری متقابل میان افراد خانواده را تحکیم و توسعه بخشند .

در گفتار ما يك چیز باقی میماند و آن کیفیت و چگونگی کار است . باید همواره از لحاظ کیفی عالی ترین کارها را از کودکان خویش متوقع باشیم و بر سر این توقع سخت بایستیم . تردیدی نمیتوان داشت که کودک هنوز در انجام دادن کار ها تجربه کافی نیندوخته است و چه بسا از نظر جسمی نیز قادر بایفاء تمام و کمال وظائف نیست از اینرو باید تا حدیکه توانائی جسمی و فکریش ایجاب می نماید ، توقع داشت که کیفیت و چگونگی کارش را بهبود بخشد .

نباید کودک را بهمت آنکه محصول کارش رضایت بخش نبوده است بیاد ملامت و مذمت گرفت و خجالت زده اش نمود . باید ، ساده و آرام ، بوی خاطر نشان ساخت که نتیجه کارش آن چنان که انتظار میرفت خشنود کننده نبوده است و باید تغییر رویه دهه با انواع کارش را مرتقم کند و یا آنرا از سر گیرد . هرگز نباید برای آنکه کودک بخوبی از عهدۀ انجام وظیفه خویش برآیند از نیروی پدران و مادران استمداد جست ، در بعضی موارد کمیاب والدین میتوانند آن چه را که خارج از حدود توانائی کودک است بانجام رسانند و در حقیقت اشتباهی را که هنگام تعیین وظیفۀ کودک مرتکب شده اند ، اصلاح نمایند . مطلقا مخالف پاداش یا تنبیه در کار میباشیم . وظیفه و گشودن گره های آن ، باید چنان رضایت خاطر ی در کودک بوجود آورد که وی از آن سرمست سرور و شادابی گردد فهماندن این نکته بکودک که کارش را خوب انجام داده است خود بمنزله بهترین پاداشهاست . مهارت و کاردانی ویرا در بکار بستن شیوه های کارش ستودن نیز در حکم پاداش دادن است . ولی هرگز نباید در تعریف و تمجیدهای زبانی از سرحد اعتدال پای فراتر نهاد و بویژه نباید کار يك کودک را در برابر دوستان و آشنا بانش ستود .

همچنین نباید کودک را بگناه اینکه کارش را بد انجام داده و یا نا تمام گزارده است مورد مؤاخذه قرار داد . در اینگونه موارد شایسته ترین شیوه ها آن است که از وی جدأ خواسته شود . هیچگاه کار بر نا تمام نگذارد .